

امکان یا امتناع حقوق بشر در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل: قرائت فرانظری

سید احمد فاطمی نژاد*

روح اله اسلامی**

DOI: 10.22096/HR.2023.551303.1463

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۲۸]

چکیده

یکی از مسائل اصلی پیش روی حقوق بشر به امکان یا امتناع اجرای آن برمی‌گردد. در عرصه داخلی کشورها، وجود اقتدار سیاسی برآمده از لویاتان به ضمانت اجرای حقوق بشر کمک می‌کند، اما در عرصه بین‌المللی با شرایط نسبتاً آناشیکتی مواجه هستیم که چشم‌انداز تحقق حقوق بشر را مبهم می‌کند. این مشکل را می‌توان از منظر پارادایم‌های مسلط در این دو عرصه بررسی کرد؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که پارادایم‌های برجسته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل چه سازوکارهایی را برای اجرای حقوق بشر پیش نهاده‌اند. در این مقاله با چهارچوب پارادایم و سامانه‌های معرفتی تبارشناسی، حقوق بشر در پارادایم‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بررسی می‌گردد؛ بنابراین پارادایم‌های بالا را می‌توان در یک پیوستار قرار داد که دیدگاه‌های مختلف از امکان تا امتناع اجرای حقوق بشر را پوشش دهد. در یک سر این پیوستار، رویکردهای لیبرال و تکنولوژی‌گرا قرار می‌گیرند که اجرای حقوق بشر را در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی امکان‌پذیر می‌دانند و در سوی مقابل، پارادایم‌های انتقادی و پدیدارشناسی قرار می‌گیرند که حقوق بشر و اجرای آن را در شرایط فعلی ناممکن می‌دانند. بین این دو نیز می‌توان از پارادایم واقع‌گرایی یاد کرد که اجرای حقوق بشر را در چهارچوب دولت قابل اجرا می‌داند، اما تحقق آن را در عرصه بین‌المللی دشوار می‌پندارد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ روابط بین‌الملل؛ فلسفه سیاسی؛ لویاتان جهانی؛ علم سیاست.

* استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: a.fatemi@um.ac.ir

** استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. Email: eslami.r@um.ac.ir



۱. مقدمه

حقوق بشر در دوره مدرن شکل گرفت اما اصول، نهادها و سازوکار اجرایی آن در قرن بیستم پس از دو جنگ جهانی تقویت گردید. به مرور زمان «سه دسته حقوق بشر در راستای تقویت آزادی‌های فردی، دفاع از حقوق اقتصادی و عدالت و تقویت و توانمندسازی حقوق اجتماعی و جنسیتی در قرن بیستم شکل گرفت».^۱ در دوره مدرن، انسان توانست با ذهنیت شکل‌دهنده روابط مکانیکی بر ناملايمات واقعی که در روزگار کهن وجود داشت غلبه کند. به‌گونه‌ای که «اندیشه سیاسی از ماکیاول و هابز تا هگل و مارکس داستان ایجاد ماشینی دارای حاکمیت مطلق بر جمعیت و سرزمین است».^۲ به تدریج ماشین حکومت از قواعد دموکراتیک و بوروکراتیک بهره‌مند گردید و با تکیه بر مدل‌های انتخاباتی و قوانین احزاب و جامعه مدنی، نظم نوینی از عقلانیت سیاسی در کشورها حاکم شد که به حکومت مشروطه قانونی معروف است. در این فضا، جان لاک قرارداد اجتماعی (social contract) را به سمت پارلمان سوق داد. منتسکیو نیز سعی کرد با تفکیک قوا حکومت را از خطر دیکتاتوری برهاند و تعادل درونی ماشین حکومت را با واری‌های نهادی حفظ کند. در ادامه، روسو اراده عمومی و امکان اعتراض و تغییر نظام سیاسی را اضافه کرد و جان استوارت میل قاعده دفاع از حقوق اقلیت را به مکانیک قدرت وارد نمود. بدین ترتیب، «میراث عملی ناپلئون و سنت عقلانی هگل از اروپا تا آمریکا و بعدها شمال آفریقا و شرق آسیا را گرفت و نظم جهانی بر اساس دولت کشورهای ملی شکل گرفت».^۳ این نظم به لحاظ منطق درونی و سازوکارهای بین‌المللی مورد انتقاد بود؛ چرا که تنها انسان‌هایی که دارای تابعیت و دولت‌ملت بودند از حقوق برخوردار می‌شدند. در واقع، «حقوق بشر خارج از لویاتان دولت ملی جایگاهی نداشت».^۴

به مرور زمان، رعایت حقوق بشر در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفت، اما بعد از جنگ جهانی دوم و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر بود که این مقوله در جامعه بین‌المللی به جد مورد توجه قرار گرفت و روزه‌روز از منظر تتوریک و عملی بر غنای آن افزوده شد. این

1. Andrew Heywood, *Global Politics* (London: Palgrave Macmillan, 2012), 308.

2. Mervyn Frost, *Constituting Human Rights Global civil society and the society of democratic states* (London and New York: Routledge, 2003), 26.

3. Frost, *Constituting Human Rights Global civil society and the society of democratic states*, 54.

4. Rudolf Dolzer, *Encyclopedia of Public International Law 8 Human Rights and The Individual in International Law* (Elsevier Science Publishers, 1985), 416.

امر به ویژه در سطح معرفت‌شناختی مورد توجه متفکران روابط بین‌الملل قرار گرفته است. مروری بر آثار موجود در زمینه رویکرد نظریه‌های روابط بین‌الملل به حقوق بشر نشان می‌دهد که می‌توان دست‌کم میان سه رویکرد در این زمینه تمایز قائل شد که عبارت‌اند از: پیروان رویکرد نخست به دووجهی محلی / جهان‌شمول بودن حقوق بشر تکیه کرده و تضمین حقوق بشر را از منظر این دووجهی نگریده‌اند؛^۵ گروه بعدی کسانی هستند که معتقدند حقوق بشر در نظریه‌های روابط بین‌الملل مورد غفلت واقع شده است^۶ و گروه سوم بر این باورند که در پرتو تحولات جدید در روابط بین‌الملل و تقویت نهادهای بین‌المللی می‌توان گام‌های مؤثری در جهت تضمین حقوق بشر برداشت.^۷

با این وصف، در نوشتار حاضر مسئله اصلی این است که نظریه‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل چگونه به حقوق بشر می‌نگرند و چه راهبردی برای تضمین آن ارائه می‌دهند؟ در ادامه، تلاش می‌شود با قرائت فرانتز فانون به این مسئله پرداخته شود؛ بنابراین ابتدا چهارچوب تئوریک تدوین می‌گردد. سپس رویکردهای قائل به امکان حقوق بشر مورد تحلیل قرار می‌گیرند. سوم، رویکردهای معتقد به امتناع حقوق بشر بررسی و نقد می‌شوند. چهارم، رویکرد واقع‌گرایی به‌منابا نوعی جهان‌بینی بینابینی تحلیل می‌شود. سرانجام، مباحث مقاله در قالب نتیجه‌گیری، جمع‌بندی می‌شود.

۲. چهارچوب تئوریک

در این پژوهش، برای اینکه بتوان به صورت کیفی پدیدارهای فلسفه سیاسی در زمینه حقوق بشر را تحلیل کرد از سه تئوری تفسیری پارادایم، ایستمه و آپاراتوس استفاده می‌گردد.

5. James C. Hsiung, "Human Rights and International Relations: Morality, Law, and Politics," *Asian and Pacific Migration Journal* 2, no. 2 (June 1993): 127-146; Jack Donnelly, *Universal Human Rights in Theory and Practice* (Ithaca, NY: Cornell University Press, 2013); Jack Donnelly, and Daniel J. Whelan, *International Human Rights* (London: Routledge, 2020).

6. Tim Dunne and Nicholas J. Wheeler, "Great illusions or great transformations? Human rights and international relations a hundred years on," *International Relations* 33, no. 2 (2019): 338-356.

7. Beth A. Simmons, *Mobilizing for Human Rights: International Law in Domestic Politics* (Cambridge: Cambridge University Press, 2009); David P. Forsythe, *Human Rights in International Relations* (Cambridge: Cambridge University Press, 2018); Elise Rousseau, "Power, Mechanisms, and Denunciations: Understanding Compliance with Human Rights in International Relations," *Political Studies Review* 16, no. 4 (May 2018): 318-330.

پارادایم (paradigm) چیست؟ کوهن در کتاب *ساختار انقلاب‌های علمی جهان* نشان داد که در علوم طبیعی نظریه‌ای تولید می‌گردد و می‌تواند با به‌دست‌آوردن اجماع دانشمندان علیه نظریه‌های قدیمی انقلاب کند. او تحلیل کرد که نظریه‌های علمی پیوسته، تداومی و انباشتی نیستند، بلکه همچون آمدورفت سلسله‌ها و حکومت‌های سیاسی دارای انقلاب و گسست هستند.^۸ «پارادایم به معنی مجموعه ویژه‌ای از باورها و پیش‌فرض‌ها است».^۹ به عبارت دقیق‌تر، «پارادایم به اجماع نظر دانشمندان و بسته‌های مورد قبول متفکران هر عصر اطلاق می‌شود».^{۱۰} به نظر می‌رسد که در علوم انسانی اغلب در موضوعات گوناگون پارادایم‌های مختلفی وجود دارند؛ بنابراین یکی از اهداف این مقاله نشان دادن پارادایم‌های سیاسی و بین‌المللی موجود در موضوع حقوق بشر است که همگی زنده و در حال رقابت با یکدیگر هستند.

دستگاه معرفت‌شناسی چیست؟ فوکو متفکر پساساختارگرای فرانسوی با روش‌های دیرینه‌شناسی (archeology) و تبارشناسی (genealogy) نشان داد که معرفت‌های علوم انسانی در شبکه‌ای از قدرت تولید می‌شوند؛ یعنی هر دانش در ارتباط مستقیم با قدرت شکل می‌گیرد و همیشه میان دستگاه‌های معرفتی رقابت شدید وجود دارد. «دانش بی‌طرف، علمی، اثباتی و انسان‌گرایانه نیست، بلکه همیشه اراده‌های معطوف به قدرت، مانند آنچه نیچه تحلیل می‌کند، بر سامانه‌های معرفتی حاکم است».^{۱۱} از این نظریه برای ترسیم ارتباط میان رژیم‌های قدرت و رژیم‌های دانش در نوشتار استفاده می‌کنیم تا نشان دهیم همه پارادایم‌های فلسفی دارای اراده‌های معطوف به قدرت هستند.

آپاراتوس (Apparatus) ایدئولوژیک کدام است؟ آگامبن متفکر پسامدرن ایتالیایی نیز در تداوم کار فوکو به رگه‌های ایدئولوژیک نظریه‌ها اشاره دارد. به باور او همیشه میان دستگاه‌های معرفتی ریشه‌های سیاسی، صنفی و طبقاتی وجود دارد. «دانش سازوبرگ تسلط است و تسلط بدون قدرت و دانش بدون شبکه‌ای از روابط بازیگران سیاسی ایجاد

8. Andrew Heywood, *Key Concepts in Politics and International Relations* (UK: Palgrave Macmillan, 2015), 150.

9. Thomas S. Kuhn, *The Structure of Scientific Revolution* (Chicago: University of Chicago Press, 1970), 17.

10. Thomas S. Kuhn, *The Structure of Scientific Revolutions* (Chicago: University of Chicago Press, 2012), 94.

11. Michel Foucault, *Archaeology of Knowledge* (Psychology Press, 2002), 175.

امکان یا امتناع حقوق بشر در علوم سیاسی و ... / فاطمی نژاد و اسلامی ۲۰۳

نمی‌گردد».^{۱۲} از نظریه آگامبن استفاده می‌کنیم تا تحلیل کنیم هر پارادایم فلسفی مورد مطالعه دارای شبکه‌ای از احزاب، نهادها، گروه‌های فشار، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است که همچون سازوبرگ قدرت عمل می‌کنند.

جدول شماره ۱: چهارچوب تئوریک

شاخص چهارچوب	متفکر	تعریف
پارادایم	توماس کوهن	اجماع نظری دانشمندان، اشتراک فکری و بسته فکری مورد تأیید نخبگان علمی
اپیستمه	میشل فوکو	معرفت‌شناسی که رابطه‌ای دوسویه با رژیم‌های قدرت دارد
اپاراتوس ایدئولوژیک	جورجیو آگامبن	دستگاه اندیشه‌ای و بسته‌های فکری آماده جهت حفظ و گسترش قدرت

منبع: تدوین نویسندگان

۳. امکان حقوق بشر

در این مبحث با عنایت به شاخص‌های معرفت‌شناختی بالا به رویکردهایی در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل پرداخته می‌شود که قائل به امکان اجرای حقوق بشر هستند و تلاش می‌کنند در این زمینه رهنمودهای اصلاحی و بهبودبخش را مطرح کنند.

الف) پارادایم لیبرالیسم

به نظر می‌رسد که لیبرالیسم بعد از دهه ۱۹۹۰ تبدیل به پارادایم هژمونیک شده است. دال مرکزی لیبرالیسم اعتقاد به آزادی و فردگرایی است؛ به این معنا که اگر آدمی رها شود و ممنوعیت‌ها کاهش یابد نظم خودجوش بهترین شکل‌ها را پدید خواهد آورد.^{۱۳} به لحاظ

12. Giorgio Agamben, *what is an Apparatus? And Other Essays* (Stanford: Stanford University Press, 2009), 108.

13. Steven Wall, *The Cambridge companion to Liberalism* (London: Cambridge university press, 2015), 14.

مبنایی، پارادایم لیبرالیسم از رساله‌های اندیشمندانی چون توماس هابز، جان لاک، شارل دو منتسکیو، جان استوارت میل، ایمانوئل کانت، فردریش هایک و جان رالز بهره می‌گیرد. این روایت اکنون تقریباً بر تمام کشورهای توسعه‌یافته مسلط است؛ به نحوی که از رنسانس تاکنون اصلی‌ترین پارادایم شکل‌دهی مناسبات زندگی را در تصرف دارد.^{۱۴} بعد از فروپاشی شوروی، لیبرالیسم تنها مکتب پیروز جریان‌های قدرت نامیده شد و حتی فرانسیس فوکویاما پارادایم لیبرال را آخرین روایت عقل بشری نامید.^{۱۵} بر اساس پارادایم لیبرال‌ها آنچه عقلانیت درست و کاربردی است، تنها در علم قابل دریافت است. به نظر کارل مانهایم، «دانش جدید دموکراتیک است و ساخت و تأسیس دموکراسی یعنی به قدرت رسیدن طبقه متوسط با لیبرالیسم سازگار است».^{۱۶} «عقلانیت، آزادی، انسان‌گرایی، فردگرایی، سکولاریسم، علم‌گرایی، بازار و رقابت و نظم خودجوش از عناصر تشکیل‌دهنده آپاراتوس لیبرالیسم است».^{۱۷} «لیبرال‌دموکراسی‌ها تصریح می‌کنند که قدرت باید در درجه اول مطابق با حقوق مدنی و سیاسی فردی اعمال شود».^{۱۸}

لیبرالیسم در سیاست دارای مفاهیمی است که در دوره مدرن تاکنون تکمیل شده است. «اعتقاد به دولت ملی که اکنون اصلی‌ترین بازیگران روابط بین‌الملل هستند و همین‌طور تنظیم مکانیک قدرت بر اساس مشروطیت دولت از مبانی فلسفه سیاسی لیبرالیسم به شمار می‌رود».^{۱۹} در عرصه بین‌الملل لیبرالیست‌ها بر رقابت آزاد و تنظیم قواعد بین‌الملل بر اساس قرارداد اجتماعی باور دارند. لیبرال‌ها اعتقاد دارند که اصل بر انسانیت است و «دولت‌محورشدن روابط بین‌الملل امکان اجرای حقوق بشر را سلب کرده است».^{۲۰} «حقوق بین‌الملل حقوق بشر مبتنی بر لیبرالیسم است، اما اعمال حقوق بشر اغلب منعکس‌کننده جهان واقعی است. منافع دولتی به جای حقوق انسان‌ها غلبه پیدا کرده است».^{۲۱}

14. John Rawls, *Political Liberalism* (Columbia: Columbia University Press, 1993), 20-45.

15. Francis Fukuyama, *The End of History and the Last Man* (Simon and Schuster, 2006), 147-186.

16. Karl Mannheim, *Freedom, Power, and Democratic Planning* (Oxford: Oxford University Press, 1950), 69.

17. Dolzer, *Encyclopedia of Public International Law 8 Human Rights and The Individual in International Law*, 86.

18. David P. Forsythe, *Human Rights in International Relations* (New York: Cambridge University Press, 2006), 9.

19. Wall, *The Cambridge companion to Liberalism*, 165-167.

۲۰. هربرت هارت، *مفهوم قانون*، ترجمه محمد راسخ (تهران: نشر نی، ۱۴۰۰)، ۳۲۰.

21. Forsythe, *Human Rights in International Relations*, 251.

شکل‌گیری حقوق بشر به پارادایم لیبرالیسم ارتباط دارد. حقوق بشر در قرن هجدهم و نوزدهم شکل گرفت و تأکید خاصی بر حقوق سیاسی و مدنی دارد. «کلیدواژه آزادی است که باید اندیشه و بیان از هر گونه استبداد و تبعیض به دور باشد».^{۲۲} اعلامیه حقوق بشر به‌خصوص بندهای سه تا بیست‌ویکم به این پارادایم ربط دارد. اندیشه‌های سیاسی از جان لاک تا ایمانوئل کانت و جان رالز در پارادایم لیبرالیسم قرار دارد. فلسفه حقوق بشر در زمان شکل‌گیری و حتی شهرت به این پارادایم ربط دارد و تأکید لیبرال‌ها به دفاع از سازمان ملل و کمک به شکل‌گیری جمهوری‌های دموکراتیک است که از طریق آن بتوانند ضمانتی برای اجرای حقوق بشر ایجاد کنند.^{۲۳}

این پارادایم بیش از حد به تحولات بین‌الملل خوش‌بین است و به‌خصوص رگه‌های اقتصادی آن مایه به حاشیه رفتن مطالبات حقوق بشر شده است. منطق اقتصادی و اعتقاد به بازار آزاد سبب شده است که دموکراسی و آزادی به حاشیه برود و حقوق بشر در مصلحت اقتصادی بازیگران بین‌الملل نادیده انگاشته شود.

ب) پارادایم تکنولوژی‌گرایی

عرصه عملی، فنی و توانایی دم دست بشر متفاوت از عقلانیت نظری است.^{۲۴} «هزیود، شاعر یونانی، در حدود هشتصد سال قبل از میلاد رساله‌ای نوشت به نام «کارها و روزها» و در آن بر وجه فنی و مهارتی اینگونه از عقلانیت تأکید کرد».^{۲۵} «تکنیک ابزاری است که با کمک آن می‌توان بر محدودیت‌های مکان، زمان و قدرت فائق آمد».^{۲۶} انسان‌ها به کمک تکنیک‌هایی همچون پارلمان، مشروطیت، تفکیک قوا، قانون اساسی، جامعه مدنی و دموکراسی توانسته‌اند دیکتاتوری و استبداد را مهار کنند. «نسل‌کشی و جنگ‌های مذهبی و قبیله‌گرایی رو به افول رفته است و امواج دموکراسی در قرن بیست‌ویکم با جنبش‌های اجتماعی نوین سرعت بالاتری یافته است».^{۲۷} در عصر اطلاعات به علت دیتابیس‌ها و اشراف اطلاعاتی که

22. Frost, *Constituting Human Rights Global civil society and the society of democratic states*, 63.

23. Heywood, *Global Politics*, 308.

۲۴. احمد خالقی، قدرت، زیان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی-سیاسی معاصر (تهران: گام نو، ۱۳۸۲)، ۲۱۸.

۲۵. دانیل بل، آینده تکنولوژی، ترجمه احد علیقلیان (تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲)، ۱۳.

26. Joseph S. Nye Jr, *Power in The Global Information Age from Realism to Globalization* (London & New York: Routledge, 2004), 24.

27. Karen Mossberger, "Toward digital citizenship: addressing inequality in the information age," in *internet politic*, eds. Andrew Chadwick, and Philip N Howard (London & New York: Routledge, 2008), 37.

به وسیله اینترنت و نرم‌افزارها به وجود آمده، توان انسان‌ها افزوده شده است. وبستر دو دهه پیش تأکید داشت که «ما در حال ورود به عصر جدید اطلاعات هستیم».^{۲۸}

بر اساس این پارادایم، تکنولوژی عامل اصلی برآورده شدن حقوق بشر است و اکنون امکان آن فراهم شده است. اصولاً آنچه کانت در باب صلح جهانی اعلام کرد با دولت ملی مدرن امکان ایجاد نداشت چرا که لویاتان‌های جدا از هم با منطق واقع‌گرایی اختیارات خویش را به سازمان ملل نمی‌دهند. اکنون تکنولوژی فضای عملیاتی کردن حکومت جهانی را فراهم کرده است. دهکده جهانی در حال شکل‌گیری است و انقلاب چهارم صنعتی حقوق بشر را به واقعیت نزدیک می‌کند. با وجود این، نقدهایی نیز بر این رویکرد وارد است که «با گسترش تکنولوژی آزادی‌های فردی انسان چه می‌شود و آیا حکومت‌ها تکنولوژی را در خدمت کنترل انسان‌ها به دست نمی‌گیرند و تکلیف کشورهای در حال توسعه و فقیر چه خواهد شد؟».^{۲۹}

۴. امتناع حقوق بشر

در کنار پارادایم‌های بالا که قائل به امکان اجرای حقوق بشر در شرایط فعلی هستند، پارادایم‌های متعددی وجود دارد که این را رد کرده و برای تحقق حقوق بشر بر ضرورت تحولات انقلابی، براندازانه و بنیادی هم در سطح هستی‌شناختی و هم در سطح معرفت‌شناختی تأکید دارند. البته لازم به ذکر است که در دل برخی از این پارادایم‌ها، بعضاً دیدگاه‌های متفاوت نیز مطرح شده، اما در اینجا رویه غالب مد نظر است. در زیر، مهم‌ترین این پارادایم‌ها بررسی و نقد می‌شوند.

الف) پارادایم انتقادی چپ‌گرا

پارادایم مارکسیسم توسط کارل مارکس تأسیس گردید. قبل از مارکس در عهد باستان افلاطون و مزدک و در دوره مدرن سیمون و روسو گرایش‌های برابری خواهانه سوسیالیستی داشتند، اما «آنکه همه خطوط مارکسیسم به او ختم می‌گردد مارکس است».^{۳۰} این پارادایم با

28. Frank Webster, *culture and Politics in the Information Age* (London: Rutledge, 2001), 1.

29. Ben Wagner, and Matthias C. Kettmann, *Research Handbook on Human Rights and Digital Technology: Global Politics, Law and International Relations* (London: Edward Elgar Publishing Ltd, 2019), 12.

30. Neal Rimer, *The change of politics* (London: Sage, 2014), 176.

گزاره‌های تضاد و درگیری طبقاتی مارکس شکل گرفت و طرفداران زیادی پیدا کرد.^{۳۱} به باور مارکسیست‌ها «تمام تاریخ نبرد طبقاتی است اما خوشبختانه در هر انقلاب سطح آگاهی و کنش طبقات پایین افزایش می‌یابد و طبقات بالا محدود و سرنگون می‌گردند».^{۳۲} «مبانی فکری مارکسیسم گونه‌ای ماتریالیسم تعیین‌بخش (determining) است که ریشه خود را به سمت شاخص‌های زیربنایی اقتصاد می‌کشاند و انسان را تنها در صورت‌های جمعی، یعنی طبقات معنادار می‌سازد».^{۳۳}

به باور مارکسیست‌ها سازوبرگ ایدئولوژیک دولت و آپاراتوس‌های نظام سرمایه‌داری همه شهروندان را برده و مطیع ساخته است. انسان‌ها آگاهی لازم نسبت به شرایط خود ندارند و ایدئولوژی همه شهروندان را چنان در توهمات خوشبختی غرق کرده است که امکان کنش انتقادی از آنها سلب شده است.

هرچند حقوق بشر به‌خصوص در گروه اول آن، در پارادایم لیبرالیستی تعریف می‌گردد، اما در قرن بیستم پارادایم مارکسیستی اثر زیادی بر بسط حقوق بشر داشت. مارکسیست‌ها اعلام می‌کنند که حقوق بشر بدون توجه به طبقات پایین بی‌معنا است و باید برای برقراری عدالت و ایجاد برابری میان انسان‌ها تلاش کرد. آزادی‌های سیاسی و مدنی حقوق بشر توانایی پوشش دادن همه انسان‌ها را ندارد و باید بر آزادی و حقوق کار، امنیت اجتماعی، سلامت و آموزش نیز تأکید کرد. این آزادی‌ها برای حقوق بشر اساسی هستند و مجموعه مبارزات و تلاش‌های نظری و عملی مارکسیست‌ها در بندهای بیست‌ودوم تا بیست‌وهفتم اعلامیه حقوق بشر متبلور شده است.^{۳۴}

پارادایم مارکسیستی «جهان را سرمایه‌داری می‌داند و سعی دارد با نقد و آگاهی‌بخشی به خلق، شالوده‌شکنی امپراتوری لیبرال‌ها به رهبری آمریکا را انجام دهد».^{۳۵} به باور چپ‌گرایان، حقوق بشر رونمای ایدئولوژی سرمایه‌داری است که در عمل پیاده نمی‌شود. از منظر این پارادایم، حقوق بشر فعلی آگاهی کاذب بی‌معنایی است که تنها با انقلاب از بین خواهد رفت.

31. Karl Marx, and David McLellan, *Capital: An Abridged Edition* (Oxford: Oxford Paperbacks, 2008), 87.

32. David Harvey, *A Companion to Marx's Capital* (London: Verso, 2010), 208.

33. Ben Fine, *Marx's Capital*. 5th edition (London: Pluto, 2010), 47.

34. Heywood, *Global Politics*, 308.

35. Robert Albritton, *let them eat junk: how capitalism creates hunger and obesity* (London: Pluto Press, 2009), 186.

مارکسیسم هرچند در نظر جذاب به نظر می‌رسد، اما در کشورهایی که پیاده شده است بیشترین نقض حقوق بشر روی داده است. مارکسیست‌ها زمانی که به قدرت رسیده‌اند به اسم دفاع از حقوق طبقات پایین، فاجعه آفریده و نظام‌های کمونیستی پایین‌ترین رتبه را در حقوق بشر و آزادی بیان دارند. مارکسیسم با ایجاد دیکتاتوری، منافع فردی را قربانی مصلحت جمع می‌کند. ممکن است گفته شود که اندیشه به واقعیت ارتباطی ندارد، اما اندیشه‌ها زمانی که به محک واقعیت گذاشته می‌شوند کارآمدی یا ناکارآمدی خود را نشان می‌دهند. دولت‌های مارکسیستی چون فلسفه حقوق بشر را مبتنی بر سرمایه‌داری تفسیر می‌کنند، در پی طراحی فضای آرمان‌شهری جمعی با شعار برابری برآمده و فساد، دیکتاتوری، استبداد، عقب‌ماندگی و زوال حقوق بشر را به یادگار گذاشته‌اند.

ب) پارادایم انتقادی فمینیسم

فمینیسم پارادایم نقادانه گسست‌محوری است که اعتقاد دارد تاریخ اندیشه در جهان توسط مردان نوشته شده است و فلسفه، اسطوره، مذهب و علم روایت‌های مردانه بوده‌اند. به یک معنا فمینیست‌ها طرفداران حقوق زنان هستند که با شالوده‌شکنی «عقل مذکر» قصد دارند^{۳۶} نیمی از جمعیت حذف‌شده را به حوزه عمومی وارد سازند. اگر از چشم آنها بنگریم همیشه با سامانه‌های معرفتی و اقدامات عملی زنان از آموزش، حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی و مشارکت سیاسی حذف شده‌اند. «آنچه در طول تاریخ برای زنان در نظر گرفته شده است خانه، فرزند و شوهرداری است و زن به‌منزله جنس دوم (The Second Sex) و غیر شهروند ترسیم شده است»^{۳۷}.

پارادایم فمینیستی دارای سه روایت معروف است. اولین روایت فمینیست‌های لیبرال هستند که اعتقاد دارند زن‌ها باید از حقوق یکسان با مردها برخوردار باشند. این روایت در موج اعتراضی هم‌زمان با انقلاب فرانسه شکل گرفت و به‌خصوص میان زنان نخبه اشراف و طبقه متوسط به وجود آمد که خواسته اصلی آنها مشارکت سیاسی و برخورداری از حق رأی بود.^{۳۸} دومین روایت فمینیست‌های مارکسیست هستند که از میان طبقات متوسط و پایین

36. Genevieve Lloyd, *The man of Reason: male and female in western philosophy* (London: Routledge, 2004), 8.

37. Andrew Dobson and Robyn Eckersley, *Political Theory and the Ecological Challenge* (Cambridge: Cambridge University Press, 2006), 53.

38. John Stuart Mill, *On the Subjection of Women* (London: Longmans, Green, Reader & Dyer, 2012), 56.

تحت تأثیر افکار مارکس شکل گرفتند و اعتقاد داشتند زن‌ها باید مانند مردها بتوانند در فعالیت‌های اجتماعی و به خصوص اقتصادی شرکت کنند.^{۳۹} این موج تحت تأثیر افکار سوسیالیستی چپ‌گرا خواهان مشارکت اقتصادی و برابر زنان در جامعه بود و دستاوردهای زیادی در مخالفت و نقد بر سرمایه‌داری کسب کرد. روایت سوم در اواخر قرن بیستم شکل گرفت و تحت تأثیر افکار پست‌مدرن هستند. موج سوم بر این باور هستند طرفداری از حقوق زنان تنها از چشم‌انداز زنان امکان‌پذیر است. «تاریخ علم و فلسفه توسط مردان نوشته شده است و فیلسوفان و سیاست‌مداران اغلب مرد بوده‌اند. مردان جز نابودی و حمله یادگاری به جا نگذاشته‌اند. مرد به معنای مرگ، نقص، نابودی است زیرا مردان توانایی زایش و تداوم نسل ندارند»،^{۴۰} اما زن به معنای زایش، زندگی و تداوم نسل است؛ به این معنا که زنان با طبیعت و محیط‌زیست نزدیکی بیشتری دارند. عناصر طبیعت و محیط‌زیست به ساختار فکری و بدنی زنان نزدیک‌تر است. «گروه سوم را به این دلیل رادیکال می‌دانند که علیه بسیاری از ساختارهای مردانه از خانواده تا نظام‌های حقوقی و سیاسی طغیان می‌کند و ادبیاتی انقلابی دارد».^{۴۱} در مورد حقوق بشر فمینیست‌های روایت اول و دوم، به نقد ساختار سرمایه‌داری و توزیع نامناسب قدرت می‌پردازند و اعتقاد دارند حقوق بشر باید توجه ویژه به زنان داشته باشد. پارادایم فمینیستی اعتقاد دارد دین، اسطوره، مذهب و علم به یک اندازه در محرومیت زنان نقش دارند و همیشه مردان بالاترین و بهترین سهم را تصاحب کرده‌اند.

به اعتقاد جین فلکس، «وظیفه شناخت‌شناسی فمینیستی این است که آشکار کند چگونه پدرسالاری هم در مفهوم ما از دانش و هم در محتوای عینی بیکره‌های دانش که مدعی رهابخشی است، نفوذ کرده است».^{۴۲} زنان در طول تاریخ تولیدکننده و مبتکر بودند، اما مردان مشغول جنگ و خشونت بوده‌اند. فمینیست‌ها اعتقاد دارند مردان طرح‌های تجاوزکارانه علمی و نظامی پیاده کرده‌اند و صلح جهانی را به خطر انداخته‌اند. از منظر پارادایم فمینیسم باید زنان به همه بندهای حقوق بشر برگردند و هرچند در اعلامیه حقوق بشر برابری جنسی

39. Simone De Beauvoir, *The second Sex* (NRF essais, 1949), 18.

40. Liloyd, *The man of Reason: male and female in western philosophy*, 137.

41. Dobson, and Eckersley, *Political Theory and the Ecological Challenge*, 62.

42. Jane Flux, "Political Philosophy and the patriarchal UN Conscious: A, Psycholoanlgtic perspective an Epistemology and metaphysics," in *Discovering Reality, Feminist Perspective on Epistemology, metaphysics, Methodology and philosophy of Science*, eds. Sandra Harding, and Merrill B. Hintikka (London: Springer, 2003), 269.

اعلام شده است، در واقعیت و وضعیت کنونی، زنان جایگاهی ندارند و قربانیان خشونت و جنگ هستند؛ بنابراین فمینیست‌ها در موج اول و دوم سعی می‌کنند پیشنهادهایی بدهند که مواردی به حقوق بشر اضافه کنند، اما در موج سوم رویکردی کاملاً نافیانه دارند و حقوق بشر را هم در اندیشه و هم در اجرا برآمده از عقل مذکر می‌دانند.

در نقد این پارادایم می‌توان گفت که شکل‌های افراطی طرفداران حقوق زنان به جای آنکه از حقوق بشر و همه انسان‌ها دفاع نمایند تفکرات ضد مرد پیدا می‌کنند و با توهم توطئه همه چیز را به مردسالاری ربط می‌دهند. به خصوص فمینیست‌های موج دوم و سوم به علت رویکردهای تندی که علیه سنت، مذهب و خانواده دارند تبدیل به برجسبی شده‌اند که در برخی کشورها مانع اجرای حقوق بشر به خصوص در امور زنان شده‌اند. رویکردهای فمینیستی هنوز به صورت حزب یا جریان رسمی سیاسی قدرت نگرفته‌اند، اما به مثابه جریان اثرگذار و گروه‌های فشار بر سیاست‌گذاری نهادهای ملی و بین‌المللی اثرگذار بوده‌اند. به خصوص موج سوم با توجه به مردستیزی و دشمنی با نهادهای سنتی، سبب تضعیف نهاد حکومت و خانواده شده است.

ج) پارادایم انتقادی پسامدرن

پارادایم پست‌مدرنیسم نوعی گسست از مدرنیسم و عصر مکانیک و ورود به دوره کوانتومی است. «ابتدا در فلسفه رگه‌های پست‌مدرن توسط نقادان‌های نیچه، فروید و مارکس از تمدن شکل گرفت و بعدها در قرن بیستم توسط شارحانی چون دریدا، لیوتار، لکان، بودیاری و دلوز تداوم یافت».^{۴۳} «هیچ فرقی میان اسطوره و علم نیست و هر دو کلان‌روایت هستند».^{۴۴} آنچه ما را فریب می‌دهد رسانه‌ها، تصاویر، دانشگاه‌ها و مراکز علمی است. دریدا می‌نویسد: «حقوق بشر در دنیای جدید به علت شکل‌گرایی و پیاده شدن ریاکارانه گفتمانی ناکافی و ناسازگار است؛ چراکه جهان فعلی به سمت قانون بازار، بدهی خارجی، نابرابری علمی، نظامی و فناوری حرکت می‌کند».^{۴۵}

43. Zygmunt Bauman, *Intimations of postmodernity* (London & New York: Routledge, 1992), 19.

44. Jean-François Lyotard, *The Lyotard reader* (Massachusetts: Blackwell, 1989), 42.

45. Costas Douzinas, *Human Rights and Empire, the political philosophy of cosmopolitanism* (USA: Routledge-Cavendish, 2007), 293.

«قدرت در همه جا حضور دارد، نهادهای دولتی، سازمان‌ها و اماکن عمومی و همین‌طور زندگی روزمره؛ به نحوی که انسان در قدرت شناور است».^{۴۶} به باور پست‌مدرن‌ها، نهادها و سازمان‌های حقوق بشر مانند احزاب و نهادهای لابی‌کننده سعی می‌کنند اذهان عمومی را شکل دهند. رسانه‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد رژیم‌های حقوق بشر دارند و آنها تعیین می‌کنند چه سبک و محتوایی از حقوق بشر رواج پیدا کند و کدام کشورها تحریم و منزوی و ضد حقوق بشر معرفی گردند. «رسانه‌ها نظام شبیه‌سازی شکل داده‌اند که واقعیت در بستر مجازی سیاست‌زده می‌شود».^{۴۷}

پارادایم پست‌مدرنیسم تصریح می‌کند که حقوق بشر بر مبنای خواسته‌های قدرتمندان تفسیر و اجرا می‌گردد و حتی به نام حقوق بشر با عنوان جنگ پیشدستانه، حمله انسان‌دوستانه و مبارزه با تروریسم بدترین خشونت‌ها روی می‌دهد. «حقوق بشر گزینشی بوده و اصطلاحی است در دست قدرت‌های بین‌المللی برای مهار نظام سیاسی و بازیگرانی که مطابق میل آنها رفتار نمی‌کنند».^{۴۸} اسرائیل و عربستان با آنکه ناقض حقوق بشر هستند، اما هیچ‌گاه محکوم نمی‌شوند. به اسم روایت حقوق بشر، آزادی و برابری با نمایشی که همه حوزه‌های عمومی را اشغال کرده است جلو می‌روند. «تصویرسازی در جهان شلوغ و درهم امکان تفکر انتقادی را سلب کرده است و کارشناسان در خدمت قدرت درآمده‌اند».^{۴۹} قدرت تنها دولت نیست، بلکه در نهادها و سازمان‌های عمومی و خصوصی نیز جاری است. از منظر این پارادایم، پیشرفت و تداوم عقل در تمدن مدرن توهمی پیش نیست و هر آنچه به منزله استانداردهای حقوق بشر مطرح می‌گردد کلیشه‌های تبلیغاتی (advertising stereotypes) است.

با این وصف، به نظر می‌رسد که پست‌مدرنیسم بیش از حد توهم دارد و همه رویدادها را به قدرت ارتباط می‌دهد. نسبی‌گرایی پسامدرن‌ها سبب می‌شود آنها حقوق بشر را نیز نسبی تفسیر کنند و توانایی دفاع از هیچ قاعده‌ای را ندارند. به نظر پسامدرن‌ها انقیاد همیشه وجود داشته است و دوران مدرن هیچ فرقی با قرون وسطی ندارد. پسامدرن‌ها علم را نیز قبول ندارند

46. Foucault, *Archaeology of Knowledge*, 156.

47. Jean Baudrillard, "Simulacra and Simulations," in *Selected Writings*, ed. Jean Baudrillard (Stanford: Stanford University Press, 1988), 75.

48. Douzinas, *Human Rights and Empire, the political philosophy of cosmopolitanism*, 6.

49. Douglas Kellner, *Media culture: cultural studies, identity, and politics between the modern and the postmodern* (London & New York: Routledge, 1995), 96.

و راه را برای بازگشت تحجر و عقب‌ماندگی باز می‌کنند. آنها در فضای آزاد دوره جدید نقد می‌نویسند و حقوق بشر را نتیجه شبکه‌های قدرت می‌دانند.

د) پارادایم پدیدارشناسی

پدیدارشناسی با اندیشه‌های ادموند هوسرل و مارتین هایدگر در آلمان سامان یافت. هوسرل اعتقاد داشت مبنای فلسفی مدرنیته توسط دکارت با دوگانه‌نگاری ذهن و عین و کمیت‌بخشی به همه پدیده‌ها آغاز شده است. به باور هوسرل «علم مدرن با اندیشه‌های انسان‌گرایانه دکارت و بیکن مقام خدایی به انسان بخشید و با حملاتی که به هستی به خاطر غلبه سیری‌ناپذیر بر آن انجام داد بحران‌های زیست‌محیطی را شکل داده است».^{۵۰} کمی‌کردن جهان تنها به محیط طبیعی بسنده نکرد، بلکه جهان انسانی را نیز به تصرف درآورد. «همه موضوعات از طبیعت و انسان تا عواطف و اخلاق به اعداد تبدیل شدند»^{۵۱} و میل سیری‌ناپذیر آدمی همه فضاهای تنفس هستی را اشغال کرد. به نظر هایدگر نیز «انسان با مرکزیت بخشیدن به عقل خود به گمان خویش بر هستی فائق آمده است، اما چون نیک نظر می‌کنیم روزه‌روز گرفتارتر شده‌ایم».^{۵۲} به باور هایدگر در کتاب *هستی و زمان* آنچه تقدم دارد هستی است؛ یعنی شرایطی که انسان‌ها در آن قرار گرفته‌اند. انسان‌ها در تاریخ، زبان و هستی قرار گرفته‌اند و به زبان درست‌تر به جهان هستی پرتاب شده است. هایدگر می‌نویسد باید کمی در معرفت مدرن شک کرد و بنیادهای عقلانیت غرب را مورد بازخوانی قرار داد. «از افلاطون تاکنون جهان براساس سوژه آدمی تفسیر شده است و اینگونه خودخواهانه نگرستن نیاز به بازاندیشی دارد».^{۵۳}

به باور «هایدگر هستی بر انسان تقدم دارد و ما به جهان پرتاب شده‌ایم، بنابراین وظیفه داریم به هستی گوش دهیم و به آن احترام نهیم».^{۵۴} ما جهان را منبع انرژی برای انسان تصور کرده‌ایم فارغ از آنکه جهان دارای شعور بوده و هستی دارای قدرتی بسیار بیش از ما است. انسان همیشه نگهبان هستی بوده و شبان محیط‌زیست محسوب می‌شده است، اما اکنون

50. Dermot Moran and Joseph Cohen, *The Husserl Dictionary* (London: Continuum Press, 2012), 206.

۵۱. ادموند هوسرل، *تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیدارشناسی*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان (تهران: نشر نی، ۱۳۸۱)، ۳۱.

52. David Woodruff Smith, *Husserl* (London: Routledge, 2007), 109.

53. Mark Wrathall, *Heidegger and Unconcealment: Truth, Language, and History* (Cambridge: Cambridge University Press, 2011), 175.

54. Martin Heidegger, *Poetry, Language, Thought* (New York: Harper Modern Perennial Classics, 2001), 278.

غارنگرانی بی‌مرز شده‌ایم. بر اساس فلسفه سیاسی پدیدارشناسان حقوق بشر نیز از دسترس مدرنیته و علم غربی دور نمانده‌اند. اکنون تکنولوژی همه جوامع را یکدست ساخته و منطق عدد و ریاضیات بر زندگی بشر حاکم شده است. جهان اگر به همین شیوه مدرن و تکنولوژی‌گرایانه حرکت کند نسل انسان نابود می‌گردد؛ چرا که در حال تخریب خانه خود، یعنی هستی است.^{۵۵} گروه سوم حقوق بشر به خصوص موضوعات توسعه پایدار و محیط‌زیست‌گرایی با پارادایم پدیدارشناسی همراه است.

در مقام نقد می‌توان اذعان کرد که پدیدارشناسی بیش از حد کیفی و کلی بوده و با دیدگاه فلسفی و انتزاعی خود چشم بر روی واقعیت‌ها می‌بندد. نقدهای پدیدارشناسان بر مدرنیته و علم سبب قدرت‌گیری بنیادگرایان می‌گردد. به این معنا، زمانی که علم، مدرنیته و حقوق بشر با فلسفه‌ای ایده‌آلیستی نقد می‌گردد به جای آن تفکرات قدیمی و تعصب‌های سنتی جایگزین می‌شود. پدیدارشناسان در فضای آزاد علمی و جهان‌زیست‌مبتهی بر حقوق بشر مدرن می‌توانند بنویسند و تحلیل کنند، اما چنان نافیانه حقوق بشر را نقد می‌کنند که در این فضا راه را برای افکار بنیادگرای فاشیستی هموار می‌کنند؛ بنابراین به نظر می‌رسد که اصول حقوق بشر در منظومه فکری پدیدارشناسان جایی ندارد، چراکه این پارادایم اصلاً به انسان اعتقادی ندارد.

۵. رویکرد میانه: پارادایم واقع‌گرایی

در بین قرائت‌های موجود در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، کمتر قرائتی وجود دارد که پارادایم واقع‌گرایی را به‌مثابه رویکرد میانه مطرح کند، اما وقتی از منظر حقوق بشر به آن نگرسته می‌شود، می‌توان آن را نوعی «راه میانه» (via media) طرح کرد. منظور از راه میانه در اینجا الزاماً تفسیر معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی رایج در تحلیل‌های نظری و فرانظری نیست، بلکه به این واقعیت اشاره دارد که واقع‌گرایان نه حقوق بشر را مانند قائلین به امکان حقوق بشر، فرازمانی و فرامکانی می‌بینند و نه مانند امتناع‌گرایان، رویکرد انتقادی و براندازانه نسبت به جهان‌بینی موجود در پیش می‌گیرند؛ بلکه پارادایم واقع‌گرایی با ترسیم مرزی پرنسب میان عرصه داخلی و بین‌المللی، حقوق بشر را به همراه سایر امور مربوط به «زندگی خوب» (good life) محدود به عرصه داخلی و قلمرو اقتدار دولت می‌داند و در غیاب لویاتان جهانی، تحقق آن را در عرصه بین‌المللی ناممکن تلقی می‌کند.

۵۵. مارتین هایدگر، فلسفه تکنولوژی، ترجمه شاپور اعتماد. (تهران: مرکز، ۱۳۷۷)، ۵۴-۳۰.

این پارادایم با اندیشه‌های ماکیاول تأسیس گردید و توسط هابز و مورگنتا بسط پیدا کرد. به باور ماکیاول در کتاب *شهریار* سیاستمدار نیک، کسی است که به هر شیوه موجود و با هر ابزاری برای منافع ملی کشور خود فعالیت کند. مصلحت عمومی، منافع ملی و خیر کشور اهداف نهایی همه بازیگران سیاسی است و «مهم کارآمدی و آمیزه‌ای از خصوصیات شجاعت شیر و مکاری روباه لازم است».^{۵۶} واحد سیاسی و بازیگر اصلی سیاست دولت‌ملت‌ها هستند و این کشورهای مدرن با حاکمیت، حکومت، شهروندان و مرزهای جغرافیایی هستند که معاملات سیاسی را رقم می‌زنند.^{۵۷}

به باور هگل نهایت عقل بشر همان گلوله توپ ناپلئون و خلق دولت ملی بود که در اروپا تأسیس و به همه نقاط جهان کشیده شد. سازمان ملل، حقوق بین‌الملل، اتحادیه اروپا، منطقه‌گرایی، حقوق بشر، گسترش اینترنت، جوامع شبکه‌ای (Network society) و ... هیچ کدام نتوانسته‌اند اعتبار دولت‌کشورهای ملی را خدشه‌دار کنند. «حکمرانی و دهکده جهانی شعاری بیش نیست و آنچه اصالت دارد هنوز هم منافع ملی و حفظ دولت ملی به هر شیوه ممکن است».^{۵۸}

این پارادایم بر این باور است که اجرای حقوق بشر در جهان دغدغه نیست، بلکه در قلمروی سرزمینی درون مرزهای ملی مورد توجه است. دفاع از حقوق شهروندان وظیفه دولت‌ها است و دولت‌ها باید به هر شیوه ممکن با صلح و دیپلماسی یا با زور و جنگ نیازهای شهروندان را تأمین کنند. قدرت را تنها با قدرت می‌توان مهار کرد و هر گونه اخلاق، هنجار، باید و ارزش در قالب حقوق بشر جز شعارهای آرمانی و شکست، نتیجه‌ای نخواهد داشت.

از منظر پارادایم واقع‌گرایی، محیط بین‌المللی آنارشیک است و حقوق بشر در بهترین حالت در داخل مرزهای ملی ضمانت اجرا دارد.^{۵۹} حکومتی که به بهانه حقوق بشر کنترل خود را به سازمان‌های بین‌المللی واگذار کند بخشی از حاکمیت خود را از دست خواهد داد. به باور واقع‌گرایان آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد پایان حقوق بشر است؛ به‌خصوص با

56. Niccolò Machiavelli, *Prince*. Trans. James B. Atkinson. (Reprinted by Hackett Publishing Company, 2008), 65.

57. Heywood *Key Concepts in Politics and International Relations*, 40-42.

58. Dobson, and Eckersley, *Political Theory and the Ecological Challenge*, 82

۵۹. هارت، *مفهوم قانون*، ۳۲۵.

حوادث یازده سپتامبر و حمله آمریکا به عراق و افغانستان پارادوکس حقوق بشر خود را نشان داد. اینکه «فضای بین‌الملل بر هرج و مرج استوار است و پذیرای روایت حقوق بشر نیست».⁶⁰

این پارادایم نوعی رویکرد محافظه‌کارانه دارد؛ یعنی هیچ امتیازی نمی‌دهد که منافع ملی کشور به حاشیه رود. با این وصف، «خوداتکایی و حفظ استقلال کشور و ایستادن بر روی پای خویشتن از سوی واقع‌گرایان توصیه می‌گردد»؛⁶¹ بنابراین منطقی نیست که با حقوق بشر حکومت از کار ویژه خود دور بیفتد. این دیدگاه هرچند اصلی‌ترین پارادایم علم سیاست و روابط بین‌الملل به شمار می‌آید، اما به علت محافظه‌کاری نمی‌تواند منطبق بر تحولات عصر اطلاعات باشد. دولت ملی در عصر اطلاعات تضعیف شده و فرایند زیست جهانی در حال شکل‌گیری و تکوین است. راه‌کارهای بین‌المللی برای مقابله با تهدیدات پیش روی زیست بشر، کارآمدتر شده و هر چه زمان سپری می‌گردد واقع‌گرایی عقب رانده می‌شود، بنابراین به نظر می‌رسد که واقع‌گرایی بیشتر متناسب با قرن بیستم است و با منطبق قرن بیست و یکم سازگاری کمتری دارد.

جدول شماره ۲: پارادایم‌های فلسفه علم سیاست و روابط بین‌الملل نسبت به حقوق بشر

جریان‌ها	پارادایم‌ها	متفکران	مبانی فکری	حقوق بشر	آسیب‌شناسی	راه‌کار اجرایی	نقد پارادایم
قائل به امکان حقوق بشر	لیبرالیسم	کانت - رالز	ایدئالیسم	بندهای ۳ تا ۲۱ اعلامیه حقوق بشر	حقوق بشر فعلی سیاسی است	سازمان ملل دفاع از حقوق بشر با اولویت اقتصاد مدنی	به حاشیه راندن حقوق بشر با اولویت اقتصاد
	تکنولوژی‌گرایی	ونت اوهمای	واقع‌گرایی انتقادی	در سطح جهانی اجرا می‌شود	به زودی همه جهان یک حکومت دارد	لویاتان جهانی	خوش‌بین بودن به تکنولوژی و عصر اطلاعات

60. Douzinas, *Human Rights and Empire, the political philosophy of cosmopolitanism*, 6.

61. Dobson, and Eckersley, *Political Theory and the Ecological Challenge*, 88.

محافظة کار و بی اعتقاد به حقوق بشر	موازنه قوا	در سطح جهانی حقوق بشر نداریم	در قالب دولت ملی	علم گرایی	هابز - مورگنتا	واقع گرایی	راه میانه
تقض حقوق بشر در رژیم های چپ گرا	دفاع از حقوق اجتماعی اقتصادی	حقوق بشر فعلی سرمایه ساری است	بندهای ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه حقوق بشر	مارکسیسم	هابرماس	انتقادی چپ گرایانه	قائل به امتناع حقوق بشر
نسبی گرایی و بی اعتقادی به حقوق بشر	شالوده شکنی و مبارزه	حقوق بشر کلانروا است	حقوق سیاهان و حاشیه ها	ساختار شکنی	بودریار	انتقادی پست مدرن	
بی توجهی به عینیات حقوق بشر و فلسفی و ذهنی بودن	توجه به محیط زیست	حقوق بشر انسان محور است	همراهی با هستی	تقد مدزئینه و انسان محوری	هایدگر	پدیدار شناسی	
توهم توطئه مردسالارانه و تبدیل به برچسب شدن	مقاومت در برابر ساختار مردسالار	حقوق بشر اکنون مردسالار است	حقوق زنان	تقد عقل مذکر	کریستوا (Julia) (Kristeva)	انتقادی فمینیسم	

منبع: تدوین نویسندگان

۶. نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که حقوق بشر در کشاکش مناسبات میان دولت ملی و دولت جهانی قرار دارد. از یک سو همه ضمانت‌های اجرایی برای تضمین حقوق بشر در موضوع حقوق شهروندی نهفته است که دولت‌ها به آن پایبندند و از سوی دیگر، چشم‌انداز شکل‌گیری دولت جهانی امکان اجرایی شدن حقوق بشر در سطح بین‌المللی را فراهم ساخته است. انسان به قرن بیست و یکم قدم نهاده و با توجه به انقلاب چهارم صنعتی و شکل‌گیری تکنولوژی‌های اطلاعات، دیجیتال و هوشمند قواعد بازی سیاسی به هم ریخته است. از قرن شانزدهم تا قرن بیستم رویکرد مکانیکی در سیاست، یعنی همان لویاتان یا دولت ملی پاسخگو و کارآمد بود، اما همیشه از منظر بی‌توجهی به حقوق بشر آسیب می‌دید. حتی ایمانوئل کانت فیلسوف آلمانی نیز که اعلام کرد که نیاز به حکمرانی جهانی با سازمانی بین‌المللی است تا بتوانیم از حقوق بشر دفاع و صلح ایجاد کنیم، اما عملاً امکان چنین رویکردی امکان‌پذیر نبود. در این فضا، سه رویکرد خوش‌بین، بدبین و بینابینی نسبت به تحقق حقوق بشر را می‌توان از هم متمایز کرد.

از یکسو، خوش‌بین‌هایی مانند لیبرال‌ها و تکنولوژی‌گرایان قرار می‌گیرند. لیبرالیست‌ها کوشیدند به انسان اقتصادی و تربیت‌پذیر روی بیاورند و امیدوار بودند با خلق حکومت‌های جمهوری، سازوکار دموکراسی و فرایند جهانی شدن اقتصادی امکان دفاع از حقوق بشر را فراهم سازند. در قرن بیست و یکم، الکساندر ونت به‌مثابه یک تکنولوژی‌گرا معتقد است که دولت جهانی اجتناب‌ناپذیر است و اگر در گذشته لویاتان جهانی به علت محدودیت تکنولوژی امکان تحقق نداشت اکنون با سرعت زیاد به سمت دولت جهانی در حال حرکت هستیم. پارادایم تکنولوژی‌گرا پیش‌بینی می‌کند که به محض تغییر تکنولوژی و وقوع انقلاب تکنولوژی اطلاعات، در آینده‌ای نزدیک سازوکار حکومت جهانی یا لویاتان جهانی شکل خواهد گرفت. حقوق بشر تنها در پرتو لویاتان جهانی که قواعد بین‌المللی وضع می‌کند معنادار است.

در مقابل، بدبین‌هایی مانند پدیدارشناسان، انتقادی‌ها و پست‌مدرن‌ها قرار می‌گیرند. پدیدارشناسان بدبین بودند و اعلام می‌کردند راهی برای رهایی از تفکر ریاضی‌گونه جهان وجود ندارد و بشر از زمانی که از شبان هستی به سلطه‌گر تبدیل شده است عملاً حقوق بشر نیز وجود ندارد. انتقادی‌ها نیز به سرمایه‌داری، سلطه پدرسالارانه و مدرنیته نقد می‌کردند و می‌گفتند تا زمانی که نتوان از زنان، کارگران و طبقات پایین دفاع کرد عملاً هیچ حقوق بشری

وجود ندارد. پسامدرن‌ها اعتقاد داشتند حقوق بشر کلان‌روایتی است که باید متکثر گردد و اگر به محیط‌ها و بازی‌های زبانی و حتی موضوع کنش سیاسی توجه شود حقوق بشر بیشتر خود را نشان می‌دهد. پسامدرن‌ها باوری به حقوق بشر نداشتند و آن را کلان‌روایتی جهت غلبه بر جهان تصور می‌کردند که روئینایی برای هژمون‌شدن آمریکا و متحدانش است.

در بین دو جریان بالا، می‌توان به واقع‌گرایی اشاره کرد. واقع‌گرایان بر این باور بودند و هستند که پس از دولت ملی هیچ نظم جدیدی وجود ندارد. به باور واقع‌گرایان انتهای عقل بشر سازوبرگ دولت ملی است و بشر بدون حکومت بی‌هویت و بی‌حقوق است؛ بنابراین حقوق بشر تنها در دولت‌ها امکان تبلور پیدا می‌کند. این اندیشه در رساله‌های ماکیاول، بدن، هابز و اسپینوزا و حتی هگل مشاهده می‌گردد؛ جایی که دولت همان خدا است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیاهه منابع

الف- منابع فارسی:

بل، دانیل. *آینده تکنولوژی*. ترجمه احد علیقلیان. تهران: اداره نشر وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
خالقی، احمد. قدرت، زبان، زندگی روزمره در گفتمان فلسفی-سیاسی معاصر. تهران: گام نو، ۱۳۸۲.

هارت، هربرت. *مفهوم قانون*. ترجمه محمد راسخ. تهران: نشر نی، ۱۴۰۰.
هایدگر، مارتین. *فلسفه تکنولوژی*. ترجمه شاپور اعتماد. تهران: مرکز، ۱۳۷۷.
هوسرل، ادموند. *تأملات دکارتی: مقدمه‌ای بر پدیدارشناسی*. ترجمه عبدالکریم رشیدیان. تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.

ونت، الکساندر. *چرا دولت جهانی اجتناب ناپذیر است؟* ترجمه حسین سلیمی. تهران: انتشارات علمی، ۱۴۰۰.

ب- منابع لاتین:

- Agamben, Giorgio. *what is an Apparatus? And Other Essays*. Stanford: Stanford University Press, 2009.
- Albritton, Robert. *let them eat junk: how capitalism creates hunger and obesity*. Pluto Press, 2009.
- Baudrillard, Jean. "Simulacra and Simulations." in *Selected Writings*, edited by Jean Baudrillard. Stanford: Stanford University Press, 1988.
- Bauman, Zygmunt. *Intimations of postmodernity*. London & New York: Routledge, 1992.
- De Beauvoir, Simone. *The second Sex*. NRF essais, 1949.
- Dobson, Andrew, and Robyn Eckersley. *Political Theory and the Ecological Challenge*. Cambridge: Cambridge University Press, 2006.
- Dolzer, Rudolf. *Encyclopedia of Public International Law 8 Human Rights and The Individual in International Law*. Elsevier Science Publishers, 1985.
- Donnelly, Jack, and Daniel J. Whelan. *International Human Rights*. London: Routledge, 2020.
- Donnelly, Jack. *Universal Human Rights in Theory and Practice*. Ithaca, NY: Cornell University Press, 2013.
- Douzinan, Costas. *Human Rights and Empire, the political philosophy of cosmopolitanism*. USA: Routledge-Cavendish, 2007.

- Dunne, Tim, and Nicholas. J. Wheeler. "Great illusions or great transformations? Human rights and international relations a hundred years on." *International Relations* 33, no. 2 (2019): 338–356.
- Fine, Ben. *Marx's Capital*. 5th edition. London: Pluto, 2010.
- Flux, Jane. "Political Philosophy and the patriarchal UN Conscious: A, Psycholoonalgtic perspective an Epistemology and metaphysics." in *Discovering Reality, Feminist Perspective on Epistemology, metaphysics, Methodology and philosophy of Science*, edited by Sandra Harding, and Merrill B. Hintikka. London: Springer, 2003.
- Forsythe, David P. *Human Rights in International Relations*. Cambridge: Cambridge University Press, 2018.
- Forsythe, David P. *Human Rights in International Relations*. New York: Cambridge University Press, 2006.
- Foucault, Michel. *Archaeology of Knowledge*. Psychology Press, 2002.
- Foucault, Michel. *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. New York: Random House, 1977.
- Frost, Mervyn. *Constituting Human Rights Global civil society and the society of democratic states*. London and New York: Routledge, 2003.
- Fukuyama, Francis. *The End of History and the Last Man*. Simon and Schuster, 2006.
- Harvey, David. *A Companion to Marx's Capital*. London: Verso, 2010.
- Heidegger, Martin. *Poetry, Language, Thought*. New York: Harper Modern Perennial Classics, 2001.
- Heywood, Andrew. *Global Politics*. UK: Palgrave Macmillan, 2012.
- Heywood, Andrew. *Key Concepts in Politics and International Relations*. UK: Palgrave Macmillan, 2015.
- Hsiung, James C. "Human Rights and International Relations: Morality, Law, and Politics." *Asian and Pacific Migration Journal* 2, no. 2 (1993): 127–146.
- Kellner, Douglas. *Media culture: cultural studies, identity, and politics between the modern and the postmodern*. London & New York: Routledge, 1995.
- Kuhn, Thomas S. *The Structure of Scientific Revolution*. Chicago: University of Chicago Press, 1970.
- Kuhn, Thomas S. *The Structure of Scientific Revolutions*. Chicago: University of Chicago Press, 2012.

- Lloyd, Genevieve. *The man of Reason: male and female in western philosophy*. London: Routledge, 2004.
- Liotard, Jean-François. *The Lyotard reader*. Massachusetts: Blackwell, 1989.
- Machiavelli, Niccolò. *Prince*. translated by James B. Atkinson. Reprinted by Hackett Publishing Company, 2008.
- Mannheim, Karl. *Freedom, Power, and Democratic Planning*. Oxford: Oxford University Press, 1950.
- Marx, Karl., and David McLellan. *Capital: An Abridged Edition*. Oxford: Oxford Paperbacks, 2008.
- Mill, John Stuart. *On the Subjection of Women*. London: Longmans, Green, Reader & Dyer, 2012.
- Moran, Dermot., and Joseph Cohen. *The Husserl Dictionary*. London: Continuum Press, 2012.
- Mossberger, Karen. "Toward digital citizenship: addressing inequality in the information age." in *internet politic*, edited by Andrew Chadwick, and Philip N Howard. London & New York: Routledge, 2008.
- Nye Jr, Joseph S. *Power in The Global Information Age from Realism to Globalization*. London & New York: Routledge, 2004.
- Rawls, John. *Political Liberalism*. Columbia: Columbia University Press, 1993.
- Rimer, Neal. *The change of politics*, London: Sage, 2014.
- Rousseau, Elise. "Power, Mechanisms, and Denunciations: Understanding Compliance with Human Rights in International Relations." *Political Studies Review* 16, no. 4 (May 2018): 318–330.
- Simmons, Beth A. *Mobilizing for Human Rights: International Law in Domestic Politics*. Cambridge: Cambridge University Press, 2009.
- Smith, David Woodruff. *Husserl*. London: Routledge, 2007.
- Wagner, Ben., and Matthias C. Kettemann. *Research Handbook on Human Rights and Digital Technology: Global Politics, Law and International Relations*. London: Edward Elgar Publishing Ltd, 2019.
- Wall, Steven. *The Cambridge companion to Liberalism*. London: Cambridge university press, 2015.
- Webster, Frank. *culture and Politics in the Information Age*. London: Routledge, 2001.
- Wrathall, Mark. *Heidegger and Unconcealment: Truth, Language, and History*. Cambridge: Cambridge University Press, 2011.